



واقعاً بودجه‌های اندک جواب لازم را نخواهد داد. حمایت‌های معنوی اگر نباشد جواب لازم را نخواهد داد. سالن‌هایی که برای اجرای تئاتر، نیازمند آن‌ها هستیم، اگر ساخته نشود جواب خودش را نخواهد داد. اگر مکان‌هایی برای تمرین در اختیار هنرمندان تئاتر قرار نگیرد و آن‌ها حتی با مشکلات مکان تمرین روبرو باشند، طبیعتاً جواب خودش را نخواهد داد و همه این‌ها با یک برنامه‌ریزی، با در نظر گرفتن تمام این مشکلاتی که وجود دارد و از بین بردن آن‌ها، میسر می‌شود. در حقیقت ما باید بالقوه‌ها را به‌صورت بالفعل در بیاوریم و اشکالات را از بین ببریم و نیت و نگاهمان این باشد که بتوانیم در جهت گسترش فضاهای فرهنگی و فضاهای هنری کمک کنیم تا بتوانیم یک جامعه فرهنگی داشته باشیم و آن وقت تاثیرات و بازتاب‌هایش را در روابط انسانی و اجتماعی و در همه عرصه‌های مختلف حتی در روابط اقتصادی، آن وقت خواهیم دید. و خواهیم دید که اگر در این زمینه سرمایه‌گذاری کنیم چه‌قدر نتایج فوق‌العاده مطلوبی را به دست خواهیم آورد. این آرزوی تمام هنرمندان تئاتر است و امیدوارم که این آرزو به تحقق برسد.

همه این چیزها می‌تواند جایگاه خاص خودش را داشته باشد.

در حقیقت همه هنرمندان تئاتر دنیا، یک خانواده هستند. اما هر خانواده‌ای با شناسنامه خودش، در این جامعه بزرگ تئاتری دنیا شرکت دارد و از آن جایی که تئاتر یک مسئله انسانی است، با انسان سر و کار دارد، با ذهن، اندیشه و تفکر سر و کار دارد؛ در همه جای این ارتباط‌ها برقرار می‌شود. موضوع انسان در تمام دنیا، موضوع انسان است. فکر، اندیشه، ساختن، فرهنگ، دوست داشتن، عاطفه داشتن، کمک کردن، انسان دوستی و همه این‌ها در حقیقت مشترک بین انسان‌ها هست و به همین دلیل است که تئاتر یک جایگاه ویژه‌ای دارد و می‌تواند ارتباط انسانی را در همه جای دنیا حتی با زبان‌های مختلف، برقرار کند، ولی باز هم همان‌طور که گفتیم هر جایی، تئاتر خودش را با مشخصات خودش، با فرهنگ خودش و با هنر، گذشته، گذشته هنری، دانش و بینش خودش دارد. در حقیقت با همه این مسائل خودش، جایگاه ویژه‌ای را در جهان پیدا می‌کند. ما هنوز آن جایگاه را به دست نیاورده‌ایم و خیلی از آن دور افتاده‌ایم.

استادان و بزرگانی بودند که این زمینه‌های حمایتی کشیدند ولی آن قدر پراکنده و کم بوده که سیر تکاملی پیدا نکرده و به جایی نرسیده. اگر همان آیین‌ها و سنت‌های نمایشی خودمان، دوران خودش را طی می‌کرد و جلو می‌آمد و سیر تکاملی پیدا می‌کرد، امروز ما حتماً یک تئاتر ملی با شناسنامه خاص خودمان و فرهنگ خاص خودمان داشتیم. باید زیرساخت‌های به وجود آمدن تئاتر به معنای واقعی خودش، به وجود بیاید.

تئاتر هم مانند دیگر شغل‌ها، مجانی نیست

من بسیار بسیار متأسف هستم از این که افرادی دعوت شوند و بخواهند به صورت مجانی تئاتر تماشا کنند و هنرمندان تئاتر بخواهند نمایشی را که ماه‌ها زحمت کشیده‌اند و روی آن کار کرده‌اند را در برابر تماشاگرانی که دعوت شده‌اند و به اصطلاح میهمان هستند، به اجرا بگذارند. مگر هر کسی که شغلی دارد، آیا آن شغلش را به صورت مجانی انجام می‌دهد و بعد هم دعوت می‌کند که بیایید مثلاً کار من را بگیرید؟

تا این مشکلات و اساس این مسائل حل نشود، تا وقتی که هنر و به خصوص هنر تئاتر به عنوان یک شغل، جایگاه خودش را نداشته باشد و حمایت‌های لازم از آن صورت نگیرد، قراردادهای لازم با هنرمند‌های آن بسته نشود و هنرمند تئاتر جایگاه خودش را از نظر صنفی نداشته باشد؛ طبیعتاً همچنان یک وضعیت این چنینی را دارد که این سرانجام خوشی را در پی نخواهد داشت.

با یک مقدار اضافه کردن بودجه تئاتر شاید در حدی بشود یک کمک‌هایی کرد، ولی